

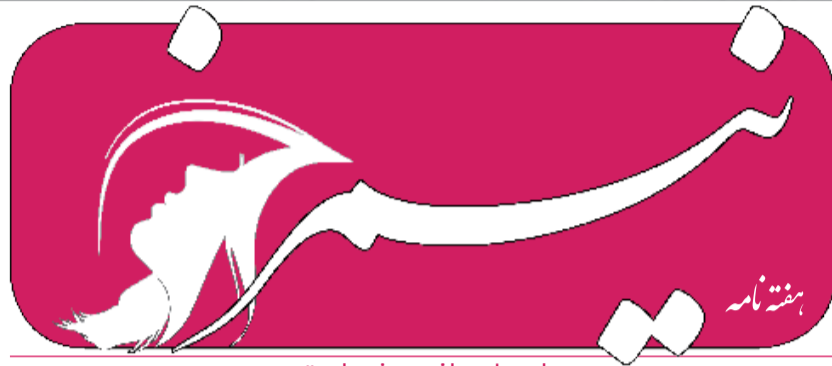


نجیبه نوری؛ عکاس و مستند ساز.

از روز جهانی محو خشونت...



سال دوم
شماره ۶۲
دوشنبه
۲۸ عقرب ۱۳۹۷
قیمت ۱۰ افغانی
Monday
November 19, 2018
Vol. 2
No. 62



اینجا، چراغی روشن است

طبقه بندی مردها از نظر مادر
من: مرد خوب برای هر
کاری انجام می دهد، مرد پد هر
بلایی که بتواند به سرت می آورد.

رز آنی

رویکرد نیمه

ضرورت آشنایی بانوان با ابزار و فنون جنگی

در شرایط فعلی، مسئله زنان و جنگ در افغانستان
بیشتر از هر وقت دیگر نیاز به بحث و بررسی دارد

جنگ بدترین پدیده‌ی ابتکار بشر است که در طول تاریخ از انسان‌ها و طبیعت قربانی‌های بی‌شمار گرفته است. افغانستان در چندین قرن متمادی در گیر جنگ و به عنوان قربانی جنگ بوده و این روند هنوز هم ادامه دارد. امروز در اکثریت ولایت‌های کشور جنگ جریان دارد و هر دو جانب قربانی‌های سنگینی را متحمل می‌شوند. در یک سوی جبهه جنگ‌های امروزی، گروه‌های تروریستی قرار دارند که به هیچ یک از اصول انسانی و حقوق بشری باورمند و پابند نیستند. در جبهه مقابل، نیروهای امنیتی کشور و ملت قرار دارند که برای دفع حمله‌ها و سرنگونی آنان می‌رزمند.

این یک امر طبیعی است که مردم از وقوع جنگ در سرزمین شان آسیب می‌بینند و با تداوم جنگ ضمن افسار گسیخته‌گی اوضاع سیاسی-اقتصادی کشور، اصول و قواعد حقوق بشری نیز زیر پا می‌شود و در این میان بیش‌تر از همه، زنان و کودکان آسیب می‌بینند. در جنگ کنونی افغانستان که فصل مبارزه با تروریسم است، بیش از هر چیز دیگری اوضاع حقوق بشری زنان و کودکان نگران کننده است. زنان و کودکان به حیث اصلی‌ترین قربانیان بی‌دفاع جنگ از دو سوی جبهه ... ادامه در صفحه ۳...

انکشاف پایدار با تساوی جنسیتی ممکن است

اکثریت اداره‌های دولتی برای واحدهای جندر موقع نمی‌دهند،
اما تساوی جنسیتی در اداره‌های دولتی باید تطبیق شود.

صفحه ۳

روزگاری پست فطرت

(گلثوم و شلاق شاق زنده‌گی)

کشیدن و دم نزن. دختر که با درد به دنیا می‌آید، در طول تمام روزهای زنده‌گی‌اش، با خود درد حمل می‌کند. و بالاخره، این درد است که قامت استوار او را خمیده و غرور و بلند پروازی‌هایش را، خاک‌آلود و لگد مال می‌نماید. با درد به دنیا آمده و با رنج می‌میرد. زنده‌گی برای یک مادر چه داده، جز زخم خوردن و خبر مرگ - فرزند یا شوهر - را شنیدند. زنده‌گی برای یک زن چه معنا دارد؟ جز هر لحظه در رنج بودن و بار مصیبت حمل کردن، در حالی که نه باعث‌وبائی مصیبت است و نه در رنج کسی افزوده‌اند. اکثر این زنان، نمی‌دانند درد را چطور می‌نویسند و ستم چه معنی می‌دهد، اما به درستی در عمق ژرف‌ترین معنایی ستم زیسته و در خانه‌ی درد نفس کشیده و با رنج بزرگ شده است. او نماد از خویش گشتن بود، در دهکده‌ی که فقط مردان می‌گفتند و زنان اطاعت می‌کردند

گلثوم دختری یک دهقان بود. دهقانی که جز کاریدن گندم و جواری و کاشتن نهال و نگه‌داری از آن‌ها دیگر وظیفه‌ی به خصوص نداشت. گرچند او هر سال می‌کوشید زمین بیش‌تری بکارد و بتری بهتر حاصل نماید، اما خشک‌آبی‌های پیاپی باعث شد، هیچ محصول از زمین‌هایش نگیرد و از آن بعد، همیشه قرض بود و قرض دهنده‌ی که دوازی ...

ادامه در صفحه ۲...

«کاش دنیا دست زنان بود، زنان که زاییده‌اند یعنی خلیق کرده‌اند و قدر مخلوق خود شان را می‌دانند. قدر تحمل و حوصله و یک‌نواختی و برای خود هیچ کاری نتوانستن را. شاید مردها چون هیچ وقت عملاً خالق نبوده‌اند، آن قدر خود را به آب و آتش می‌زنند تا چیزی بیافرینند. اگر دنیا دست زنان بود، جنگ کجا بود؟» [سوشون - سیمن دانشور]

سر آغاز: هر لحظه در رنج بود

زنان هزارستان در طول تاریخ همواره با درد زنده‌گی کرده و جز رنج، اندوه و ستم روزگار با چیزی دیگری دم‌خور نبوده‌اند. هیچ چیز به اندازه‌ی مزه‌ی تلخ انتظار، برای آن‌ها آشنا نیست و هم‌چنان مرض دوری و درمانده‌گی. مرض از این‌جا خلق می‌شود؛ که فرزند آواره شود، شوهر زیر خروارها خاک بیاساید. روزگار پست فطرت، سایه‌ی شوم روزمره‌گی‌هایش را نشان دهند. در این کویر که پرتاب شده‌ایم، هیچ چیز به اندازه‌ی شلاق شاق زنده‌گی نمی‌تواند در وجودی آدم درد بکارد.

زن به دنیا آمدن در کوه‌پایه‌های هزارستان همین است؛ درد

فمینیسم؛

جنبش برابری در دنیای نابرابری‌ها

فمینیست‌های موج چهارم معتقد هستند که با
نگاهی زنان باید به علم و هستی دیده شود. زیرا...

هم‌زمانش اعدام شد. اما جریانی را که او بنیان گذاشته بود، خاموش نشد. انقلابیون دوگنگ را اعدام کردند، اما آرمان‌هایش را نتوانستند به خاک یکسان کنند. اکنون فمینیسم، یکی از موفق‌ترین جریان‌ها در امر مبارزه برای برابری زن و مرد است.

پس از دوگنگ در سنت فرانسه، سیمون دوبووار ظهور کرد. دوبووار را بدون تردید می‌توان «پیامبر فمینیسم» در تاریخ بشر دانست. سیمون دوبووار می‌گفت: «زن، زن به دنیا نمی‌آید، بلکه زن را زن می‌سازند». این سخن سیمون دوبووار را می‌توان هم‌چون مانفیسست فمینیست‌ها درک کرد. هر چند جریان دفاع از حقوق زنان با دوگنگ جرقه خورد؛ اما پایه‌های نظری آن توسط سیمون دوبووار مستحکم گردید. «جنس دوم» در واقعیت امر قرآن مسابیل فمینیستی است. ... ادامه در صفحه ۲...



تحلیل
کچ غلام سخی حلامیس

فمینیسم، مانند سایر پدیده‌های عصر جدید از غرب سر برآورد. بر علیه مردسالاری سنگر گرفت و برای برابری زن و مرد در جامعه انسانی مبارزه کرد. هزاران سال تاریخ مردسالاری را به نقد کشید و بر اندیشه‌های زن‌ستیزانه تاخت. آغاز شکل‌گیری جنبش فمینیسم، تراژیک و غم‌انگیز است. جنبش فمینیستی در غرب، با به پای دار رفتن خانم المپ دوگنگ، یکی از فعالین انقلاب کبیر فرانسه، جرقه خورد. دوگنگ به‌خاطر اعتراض به قانون اساسی انقلابیون در فرانسه، توسط

● ادامه از صفحه ۱...۱

خانه‌اش را تک تک می‌کرد. هر لحظه بوی خوش‌بختی از مشام‌ها ربوده می‌شد و سایه‌ی ترس و ناامیدی خانه را پر می‌کرد. دیگر سخت می‌شد زنده‌گی را سامان داد، حتا غذا سخت مهیا می‌شد و پوشاک به دشواری فراهم می‌گردید. پدر گلشوم، ناامید و دل‌شکسته شده بود. بیش‌تر گیج بود و فضای زنده‌گی را «منگ» می‌دید. هر تقلای می‌نمود، بی‌جهت ثابت می‌شد و به هر راهی می‌رفت، دیواری قد می‌کشید. خسته شده بود و خود را در سیاه‌چال زنده‌گی، در حال غرق شدن می‌دید.

گلشوم در چنین حالتِ درس می‌خواند. در چنین حال و هوا و اقتضای زمان، شاهنامه ورق می‌زد و با اشعاری حافظ و مولانا جان می‌گرفت و با قهرمانان اسطوره‌ها و افسانه‌های که می‌خواند، خودش را قهرمان احساس می‌نمود.

او از زنده‌گی فقط بی‌مهری دیده بود و درد فقر و دربه‌دری چشیده بود. دیگر نمی‌توانست کتاب بخواند، اما زنده بماند و زنده‌گی کند. او به کتاب اعتیاد پیدا کرده بود. تنها کتاب می‌توانست به گلشوم روح زنده‌گی بخشد و انگیزه‌ی نفس کشیدن ایجاد نماید. گلشوم نمی‌دانست که زنده‌گی، واقعن چقدر غیرقابل تصور است. او می‌خواست روح دردمندش را با خواندن بی‌نیاز از درد نماید. در حالی که خواندن آگاه شدن است و رنج بردن و همیشه در درد زیستن. هیچ چیز به اندازه‌ی خواندن و ورق زدن کتاب، برایش ارزش‌مند نبود. او

دوست داشت با کتاب زنده‌گی

کند و چون تنها راهی به راهی از درد و مصیبت و بهتر از آن انتقام - از روزگاری پست فطرت □ را در خواندن کتاب می‌دید، همیشه در جست‌وجویش بود و در تکاپو و تلاش برای زنده‌گی بهتر.

فقط صنف ششم مکتب را خوانده بود. دوست داشت شش صنف دیگر هم بخواند و دانشگاه برود و مثل صدها دختری ارباب و دهقان سرزمین‌اش، در رشته‌ی دل‌خواه تحصیل کند. در دهکده‌ی ما، او در خواندن و جست‌خیز زدن برای درس، بی‌جوړه بود. گلشوم مثل هیچ‌کس نبود، او مثل خودش

بود؛ نمره اول صنف بود. از همه کم‌تر حرف می‌زد و از همه بیش‌تر می‌فهمید. کم‌تر لب‌خند به لبانش نقش می‌شد و بیش‌تر تنها بود. او تنها دختری بود که به بی‌رحمی روزگار پی‌برده بود و زنده‌گی را جز زخم خوردن و تاب آوردن دگر چیزی نمی‌دید.

گلشوم برادری داشت، که باهم مکتب می‌رفتند و درس می‌خواندند. او نه کند ذهن بود و نه آن‌قدر با استعداد که به مانند خواهرش بیاندیشد و بفهمد. او یک آدم معمولی بود. اما توانست درس‌هایش را ادامه بدهد و صنوف هفت، هشت، ... و دوازده را تمام کند و وارد دانشگاه آن ولایت گردد. اما گلشوم نمی‌توانست ادامه بدهد. او یک دختر بود. پدرش را دوست داشت و مطیع حرف‌های او بود. پدرش نیز ترجیح می‌داد، دخترش؛ آشپزی یاد بگیرد، نان بپزد و تر و خشک کردن نوزاد را بیاموزد، تا این‌که قلم به دست بگیرد مقاله بنویسد، شاهنامه بخواند و یا روزی دانشگاه برود. پدرش معتقد بود؛ زن بودن یعنی خانه‌داری کردن، و خانه‌داری؛ پختن، تر و خشک کردن طفل و مطیع و فرمان‌بری شوهر را نمودن. این باور شاید درست باشد و شاید بسیاری مردان آن دهکده ممکن با این عقیده هم‌سو نباشند. اما در لای همین باور و در زیرِ سایه‌ی آبرومند پدر، یک استعداد

روزگاری پست فطرت

(گلثوم و شلاقِ شاقِ زنده‌گی)

از آن ِده رخت بریست و رفت. با همان دستان گرم پدر، دختر به سیاه‌چال زندان طبیعی‌اش - مثل نهالِ که در غرقاب غرق می‌شود □ غرق شد و دنیا و آرزوهایش را نیز روزگاری پست فطرت فرو برد و قورت داد. دیگر نه کتاب روح خسته و درماده‌اش را تازه می‌ساخت و نه انگیزه‌ی برای خواندن می‌یافت.

گلثوم بدون این‌که خودش بخواهد به شوهر داده شد. پدرش او را «سَر بَدَل» داده بود: مثل دو نفر که از گاوهای هم‌دیگر خوشش می‌آیند و گاوهای خویش را با هم‌دیگر بدل می‌کنند. گلثوم با یک دختر دیگر بدل شده بود. پدر گلثوم با پدر ینگه‌اش، نشسته بود، حرف زده و خواسته بود دخترانش را بدل کند، شده بود سَر‌بَدَل. گلثوم به جای رفته بود که هیچ شناختی از آن منطقه نداشت و هر قدر فکر می‌کرد، هیچ نسبتی با شوهرش نمی‌یافت. نه مثل هم فکر می‌کردند و نه روش زنده‌گی شان شبیه هم بودند. تنها کاری که گلثوم می‌توانست بکند، تن دادن به رسم و رسوم بود و همان مطیع بودن و فرمان‌بری شوهر را نمودن. گلثوم از تمام آرزوهای که در دل و جانش رخنه کرده بود و از قصه‌ها و داستان‌های کتاب‌هایش، گذشت و خداحافظی کرد.

زن به دنیا آمدن در کوه‌پایه‌های هزارستان همین است؛ درد کشیدن و دم نزدن. دختر که با درد به دنیا می‌آید، در طول تمام روزهای زنده‌گی‌اش، با خود درد حمل می‌کند. و بالاخره، این درد است که قامت استوار او را خمیده و غرور و بلند پروازی‌هایش را، خاک‌آلود و لگد مال می‌نماید. با درد به دنیا آمده و با رنج می‌میرد. زنده‌گی برای یک مادر چه داده، جز زخم خوردن و خبر مرگ – فرزند یا شوهر – را شنیدند. زنده‌گی برای یک زن چه معنا دارد؟ جز هر لحظه در رنج بودن و بار مصیبت حمل کردن، در حالی‌که نه باعث‌وبانی مصیبت است و نه در رنج کسی افزوده‌اند. اکثر این زنان، نمی‌دانند درد را چطور می‌نویسند و ستم چه معنی می‌دهد، اما به درستی در عمق ژرف‌ترین معنایی ستم زیسته و در خانه‌ی درد نفس کشیده و با رنج بزرگ شده است.

گلشوم در کودکی

او از خویش گذشت با تمام خواسته‌ها و نیازهایش، تا داستانی زنده‌گی عینی‌اش را روایت کند. گلثوم دختر یک دهقان بود.

نتیجه؛ رنج تمثّل زنده‌گی

زنده‌گی عینی او یک داستان ساده نیست بلکه یک تراژی است که هیچ‌کس جز خودش نتواست آن درد را احساس کند. دردِ نخواندن و ننوشتن را و بدتر درد تمثیل زنده‌گی را. او در زنده‌گی که خود خواسته، راه پیموده و ساخته است قرار ندارد، در یک بازی گرفتار است که دیگران آن‌چه را می‌خواهند باید آن طور باشد، باید تمثّل کند که در زنده‌گی واقعی‌اند و از این وضع رازی‌ست. در حالی‌که، دنیای که می‌زید و جهان که می‌خواست، یک دنیا فاصله دارد. اما این تنها گلثوم و گل‌بدن و... نیست که به خواسته‌ی شان نرسیده‌اند، نرسیدن یک اصل است که همه نمی‌رسند، بلکه پرسش این است که چرا صورت ابلهی زنده‌گی بر آن‌ها تحمیل می‌شود. چرا مجبور می‌شوند، از آزادی و آرزو و آرنانش دست بکشند و معادله‌ی زنده‌گی‌اش را از دید دیگران توزین نمایند و زنده‌گی‌اش را در تمثّل خوش‌بختی بگذرانند. زنده‌گی برای آن‌ها چه معنا می‌دهد وقتی نتوانند برای خودش زنده‌گی کنند و آن‌چه می‌خواهند را نخواهند؟.

در وضعیت که روزگار پست فطرت می‌شود و لایه‌های فقر جای محبت و عشق را در خانواده می‌گیرد و جز بدبختی دیگر چیزی نمی‌زاید. کی را و چه را باید مقصر دانست، پدر و جامعه‌ی مرد محور را یا پست فطرتی روزگار را؟ اما می‌توان پرسش را برعکس کرد و این‌طور گفت؛ اگر گلثوم یک دختر نمی‌بود آیا می‌توانست به درس‌هایش ادامه بدهد؟ و زنده‌گی ساخته‌گی و تحمیلی‌اش را نپذیرد؟ به درستی جوابش، آری است. زن سیمای شهر است. زن بودن در هزارستان و در کل در جامعه‌ی افغانی تنها جنس دوم بودن نیست که زنان فیمینیست ما بلغور می‌کنند. زن بودن تحقیر کننده‌ترین وجهی انسانی هم هست و مهجورترین موجود انسانی. تن زن افغانی مانند «میدان نبرد» است که هر کس زخم می‌زند، خونین می‌کند و در آخر، به مثل لاشه‌ی مردار وارد سطل آشغال و زیر بتلاق‌ها می‌شود. بی‌عفت شدن و زخم‌های که در عمق جانش فرو رفته، هیچ مسئله‌ای نیست و اصلن در این‌جا زن بودن هیچ مسئله‌ی نیست. تن اوست که «میدان نبرد» را شکل می‌دهد و نبرد بر سرفتح کردن تن اوست. به گفته‌ی اسد بودا «تصویر واقعی یک کشور تصویر

گلشوم در کودکی

زن به دنیا آمدن در کوه‌پایه‌های هزارستان همین است؛ درد کشیدن و دم نزدن. دختر که با درد به دنیا می‌آید، در طول تمام روزهای زنده‌گی‌اش، با خود درد حمل می‌کند. و بالاخره، این درد است که قامت استوار او را خمیده و غرور و بلند پروازی‌هایش را، خاک‌آلود و لگد مال می‌نماید. با درد به دنیا آمده و با رنج می‌میرد. زنده‌گی برای یک مادر چه داده، جز زخم خوردن و خبر مرگ – فرزند یا شوهر – را شنیدند. زنده‌گی برای یک زن چه معنا دارد؟ جز هر لحظه در رنج بودن و بار مصیبت حمل کردن، در حالی‌که نه باعث‌وبانی مصیبت است و نه در رنج کسی افزوده‌اند. اکثر این زنان، نمی‌دانند درد را چطور می‌نویسند و ستم چه معنی می‌دهد، اما به درستی در عمق ژرف‌ترین معنایی ستم زیسته و در خانه‌ی درد نفس کشیده و با رنج بزرگ شده است.

گلشوم در کودکی

زنان آن کشور است.» گلثوم زنده‌گی خودش را روایت نمی‌کند، بلکه فلاکت و زنده‌گی خفت‌بار جامعه‌اش را روایت می‌کند.

بر تن کبرا تجاوز گروهی صورت می‌گیرد و بعد به دار آویخته می‌شود. تصویر کبرایی مصلوب تصویر جامعه‌ی است که در توحش و دهشت حیوانی به سر می‌برد. این تنها تن کبرا نیست که پاره پاره می‌شود، بلکه این جامعه است که نابود می‌گردد. این انسان است که حیوان می‌شود. گاو شدن دیگر چه معنی دار، جز تجاوز کردن و به دار آویختن تن کبرا. این تنها گلثوم نیست که آرزوهایش بر باد رفته و جو‌ی‌باری رویاهایش خشکیده است، بلکه این من هستم که رویایم را قیچی زده‌ام، این پدر اوست که آرزوهایش را باد برده و در کل این جامعه است که امیدش خاکستر شده است. این تنها تن معصومی کبرا نبود که به دار زده شد، بلکه این معصومیت، شرافیت و انسانیت جامعه‌ی ما بود که خلق آویز گردید. تنها نفس‌های گرمی کبرا نبود که خشک می‌شد و تمام می‌گردید بلکه این روح زنده‌گی بود که از جامعه‌ی ما رخت بریسته و می‌گریخت. زن سیمای شهر است.

جعدگیسو

✍ زلمی کاوه

دل‌م را کجا بگذارم؟

روی شاخه‌های درختان گنجشک‌های کودکی‌ام

روی آب جوی که گل‌ها را برایم می‌برند

روی رسامی‌های نامه‌های کودکانه‌ام

که پدر پاره پاره شان کرد

روی آواز حزین تو، که هنوز در گوش‌هایم زمزمه

می‌کنند

دل‌م را کجا بگذارم!

روی پیکر تکه تکه‌ی برادرم

روی تکه‌های تن خواهرم

روی چشمان نگران مادر؟

دل‌م را کجا بگذارم

روی آرزوهای

فرخنده

تبسم

فرشته

گل‌چهره

فلطمه

صف

تیمور

اسماعیل ...

و پنج‌صد هزار انسان سلاخ شده‌ی جنگ؟

اکنون

آن درخت‌ها سوخته‌اند

گنجشک‌ها فرار کرده‌اند

جوی خشکیده است

پدر به ابدیت پیوسته است

نامه‌ات در ذهن من بایگانی شده است

مادر در دل خاک خفته

تبسم

فرشته

گل‌چهره

فلطمه

صف

تیمور

اسماعیل

سلاخی شده‌اند ...

و پنج‌صد هزار انسان به کام جنگ رفته‌اند

تو نیستی

اما

صدایت با فروغ، باب دوستی باز کرده است

دور سرم می‌چرخد

بغض به گلویم سلام می‌دهد

آوار‌ام!

دل‌م روی دستانم معلق مانده است

فمینیسم؛ جنبش برابری...۱

● ادامه از صفحه ۱...۱

در این کتاب، با بنیادی‌ترین وجوه فمینیسیم می‌توان مواجه شد. فمینیسیم با جنس دوم به اوج می‌رسد و بر تارک تاریخ سراسر ستم و نابرابری می‌نشیند.

فمینیسم پس از این‌که، به عنوان یک جنبش برابری خواهانه، برای به دست آوردن حقوق از کف رفته‌ی زنان جغرافیای غرب را درنوردید؛ وارد کشورهای جهان دوم و سوم شد. در کشورهای اسلامی و دین مدار، این جریان همواره با چالش‌های گوناگون رو به رو بوده است. یکی از این چالش‌ها، در تقابل قرار گرفتن آموزه‌های فمینیستی با باورهای دینی است.

تمام فمینیست‌ها، معتقد اند که دین مردانه است. تنها مردان در این حوزه فعالیت کرده‌اند. شما پیامبری را در تمام دوره‌های تاریخ نمی‌یابید، که از میان زنان برخاسته باشد. از آدم تا محمد، همه و همه مرد بوده‌اند. به همین دلیل است، که بیش‌ترین گزاره‌های ضد زن در کتاب‌های دینی وجود دارد. در آیین یهود، حوا عامل خروج آدم از بهشت پنداشته می‌شود. بودا می‌گفت: «زن» به رستگاری نمی‌رسد مگر این‌که بر اساس عمل خوب در دنیای بعد از مرگ و تناسخ دوباره زن آفریده نشود و مرد آفریده شود. آن وقت امکان دارد، با عمل نیک به رستگاری برسد». در آیین اسلام، زن هم‌چون «مزرعه»‌ی

اقتصاد، نیز مانند دین و ادبیات مردانه بوده است. زنان در مزارع پای به پای مردان کار کرده‌اند، اما گنج را مرد برده است و رنج را زن. در طول تاریخ، زنان همواره به عنوان شی بی‌جان خرید و فروش شده‌اند. در افغانستان، زنان از میراث پدری خود زمین به ارث نمی‌برند. دلیل آن این است که؛ دین، ادبیات، سیاست و اقتصاد مردانه بوده است. فمینیست‌های موج چهارم معتقد هستند که با نگاهی زنان باید به‌علم و هستی دیده شود. زیرا به‌باور آنان تاریخ، فلسفه، ادبیات، دین، علم□ در طول تاریخ مردانه بوده‌است و با نگاهی مردانه به آن دیده و قضاوت شده‌است. ممکن است از نگاهی زنان فلسفه، ادبیات، دین، علم□ طوری دیگری دیده و فهمیده شود. پس با نگاهی زنان به‌هستی بنییم و قضاوت کنیم. با الگو گرفتن از این موج بعضی از زنان فمینیست مسلمان می‌گفتند هزار و چهار صدسال از اسلام تفسیر مردانه صورت گرفته و مفسران، محدثان، فقها□ همه مرد بودند. اگر اسلام با دید زنانه تفسیر و بررسی شود؛ مطلقن اسلام دیگری از آب در خواهد آمد.
با در نظر داشت، همه‌ی این موارد، بدون تردید می‌توان گفت؛ فمینیسم فریاد برابری در دنیای نابرابری‌ها است، فعالان جنبش برابری زنان در کنار این که برای برابری جنسیتی مبارزه کرده‌اند، فعالان خوب حقوق بشر و منادیان احترام به کرامت انسانی نیز بوده‌اند.



انکشاف پایدار با تساوی جنسیتی ممکن است

اکثریت اداره‌های دولتی برای واحدهای جندر موقع نمی‌دهند، اما تساوی جنسیتی در اداره‌های دولتی باید تطبیق شود.



گفت‌وگو
کس حسین احمدی

گفت‌وگو با خانم دلبر نظری، وزیر امور زنان افغانستان

● وزیر صاحب، سپاس‌گزاریم از این‌که برای گفت‌وگو با ما وقت گذاشتید. در نخست بفرمایید که وزارت امور زنان در کدام بخش‌ها کار کرده و عمل‌کرد این وزارت از آوان تشکیل تا کنون چگونه بوده است؟

تشکر از شما و هم‌کاران تان در هفته‌نامه نیم‌رخ که در بخش امور زنان فعالیت می‌کنید. البته در ابتدا باید بگویم که وزارت امور زنان از بدو تشکیل (سال ۱۳۸۲ خورشیدی) تاکنون در راستای حمایت، دادخواهی و توان‌مندسازی زنان کار کرده است. ضمن هماهنگی با وزارت‌های دولت در رابطه با برنامه‌های این نهادها در مورد زنان، مأموریت دیگر این وزارت، نظارت از پروژه‌هایی است که در بخش زنان تطبیق می‌شود. برنامه‌های وزارت امور زنان و عمل‌کرد رهبران گذشته این وزارت به نحوی بنیادگذار کارهای پیش‌تر و سازنده‌ای شده است تا با اتکا بر برنامه‌های بنیادین آنان، زمینه رشد و توان‌مندی زنان مهیا شود.

از زمانی که ما در این وزارت آغاز به کار کردیم، اراده‌ی لازم برای توان‌مندسازی زنان وجود دارد و مطابق با «مقرره‌ی تنظیم اجراء و فعالیت وزارت امور زنان» که از سوی دولت طرح شده است، فعالیت‌های خود را تنظیم می‌کنیم. هم‌چنان که در ابتدا نیز تذکر داده شد، توان‌مندسازی به عنوان اساسی‌ترین هدف کاری و ضرورت تشکیل وزارت امور زنان است که در بخش توان‌مندسازی زنان تاکنون برنامه‌های زیادی اجرا شده که از جمله، در چهار زون کشور سمپوزیم توان‌مندسازی زنان دایر شده است.

● این سمپوزیم‌ها دقیقاً چه کار می‌کند؟

سمپوزیم‌ها برای بررسی و حل مشکلات زنان در ولایات تشکیل شده که زنان در روستاها با کدام موانع مواجه هستند که سد راه رشد شان می‌شود و چه برنامه‌هایی می‌تواند مؤثر باشد. قطع‌نامه این سمپوزیم‌ها به اداره‌های مسوول ارسال شده است که زنان روستاها بیش‌تر نیازمند خدمات آموزشی، صحتی و عدالت‌(رسیده‌گی به مسایل حقوقی) است.

● در بخش دادخواهی برای زنان، وزارت امور زنان چه کارهایی انجام داده است؟

دادخواهی نیز از برنامه‌های اساسی این وزارت است. ما برای دسترسی زنان به حقوق شان در نهادها عدلی و قضایی دادخواهی کرده‌ایم. خشونت علیه زنان یکی از بدترین پدیده‌های سد راه توسعه و انکشاف جامعه ما است که نیاز به دادخواهی بیش‌تر دارد. برای محو خشونت علیه زنان باید با عاملان خشونت برخورد قانونی صورت بگیرد که این شکایت را بارها به نهادهای عدلی و قضایی رسانده‌ایم و با دادستانی کل نیز هماهنگ هستیم. برای رسیده‌گی بهتر به قضایای خشونت و توان‌مندسازی زنان در عرصه حقوقی، ۵۱ دادستان زن در ۳۱ ولایت در ساختار دادستانی کشور مقرر شده‌اند.

● گزارش‌ها از قضایای خشونت علیه زنان نشان می‌دهد که هنوز در روستاها خشونت‌های زیادی رخ می‌دهد و برنامه‌های حمایت و توان‌مندسازی زنان نیز نتیجه‌ی دل‌خواه را نداشته است. حالا، وزارت امور زنان در قسمت هماهنگی با دیگر وزارت‌ها جهت رسیده‌گی به این امور چه کار می‌کند؟

یکی از پلان‌های ده ساله‌ای دولت افغانستان، انکشاف پایدار است و به خاطر رشد زنان روستانشین و رسیده‌گی به مشکلات آنان، وزارت امور زنان نیز شامل این پلان شده است. ما پلان‌های تقویتی زنان را داریم و در ضمن در هماهنگی با وزارت‌های معارف، اقتصاد، کار و امور اجتماعی نیز قرار داریم که با تدویر برنامه‌های آموزشی و تطبیق پلان‌های مشارکت اقتصادی زنان، توانایی و مهارت‌های خودکفایی اقتصادی زنان افزایش خواهد یافت.

● در بخش اجتماعی و اقتصادی که فرمودید برنامه‌های دادخواهی و پلان‌های توان‌مندی‌سازی را دارید. در مورد مشارکت سیاسی زنان؛ از نظر زنان در نظام کنونی چه

جایگاهی دارد؟

در داخل نظام افغانستان اراده‌ای جهت فضا‌سازی برای مشارکت سیاسی زنان وجود دارد و امروز زنان زیادی وارد عرصه‌های سیاسی شده‌اند که امروز ۲۷ درصد اعضای پارلمان، ۲۶ درصد کارکنان خدمات ملکی، ۱۷ درصد مسوولان رسانه‌ها، یک درصد منسویین نظامی، ۳۹ درصد شاگردان کتاب و ۲۳ درصد محصلان دانشگاه‌ها و مؤسسه‌های تحصیلات عالی را زنان تشکیل می‌دهد؛ هم‌چنین ۳۲ درصد از نامزدان پارلمان امسال زنان بودند و در ساختار حکومت، ۱۱ معین، ۵ سفیر و ۵ معاون والی داریم. این آمارها نشان می‌دهد که حضور زنان در عرصه‌های سیاست، فرهنگ و اداره‌های کاری دولت همه ساله رو به افزایش است.

اگرچند هفته سال است که در عرصه زنان کارهای پیش‌تری انجام شده، اما میزان پیش‌رفت و نتیجه

هفته سال کار و سرمایه‌گذاری هنوز هم زنان برای ابتدایی‌ترین حقوق شان (حق آموزش و حق انتخاب) مبارزه می‌کنند و قربانی می‌دهند.

همه کارها نیاز به زمان دارد. البته که تا هنوز در بخش‌هایی از کشور دختران از حق تعلیم و تحصیل محروم اند و ازدواج اجباری نیز وجود دارد، اما در اثر آگاهی‌دهی که صورت گرفته ازدواج اجباری و زیر سن دختران رو به کاهش است که امسال نسبت به سال گذشته یک فروکاست ده درصدی را شاهد هستیم. با کاهش نقاط منفی و افزایش جنبه‌های مثبت در امور زنان می‌توان به نتیجه مطلوب رسید.

● وزیر صاحب، آیا بودجه انکشافی و توانایی مالی وزارت امور زنان برای اجرای برنامه‌های نیازمندی زنان کافی است؟ آیا این بودجه کامل به مصرف می‌رسد؟



تاهنوز در بخش‌هایی از کشور دختران از حق تعلیم و تحصیل محروم اند و ازدواج اجباری نیز وجود دارد، اما در اثر آگاهی‌دهی که صورت گرفته ازدواج اجباری و زیر سن دختران رو به کاهش است که امسال نسبت به سال گذشته یک فروکاست ده درصدی را شاهد هستیم. با کاهش نقاط منفی و افزایش جنبه‌های مثبت در امور زنان می‌توان به نتیجه مطلوب رسید.

بودجه حکومت برای هر وزارت نظر به پلان و برنامه‌های عملی شان تخصیص داده می‌شود. بودجه ما نیز نظر به برنامه‌هایی که در ولایات داریم سپرده می‌شود. هرچند بودجه کافی نیست؛ ولی از آن‌جا که بیش‌تر بودجه دولت برای نهادهای امنیتی تخصیص داده می‌شود، ما تلاش داریم که بودجه موجود به صورت درست تطبیق شود. بیش‌تر بودجه انکشافی برای ساختن و پیش‌برد مراکز آموزشی در باغ‌های زنانه این وزارت به مصرف می‌رسد.

● برنامه‌های که وزارت امور زنان برای آینده روی دست دارد کدام برنامه‌ها است؟

زیربنای تمامی برنامه‌ها و پلان‌ها داشتن اسناد قانونی است که وزارت امور زنان روی قانون منع خشونت علیه زنان کار کرد و اکنون تصویب شده است. هم‌چنین طرح جلوگیری از جرایم سایبری (فضای مجازی) خشونت علیه زنان را به وزارت اطلاعات و فرهنگ سپرده‌ایم که این اسناد ما را در دادخواهی از زنان جهت محو خشونت کمک می‌کند. کمیسیون عالی منع خشونت علیه زنان در مرکز و ۳۴ نماینده‌گی آن در ولایات کشور در کنار کمیسیون تطبیق قانون منع خشونت علیه زنان، از روند اجرای مقرره‌های حقوق زنان نظارت می‌کنند. پلیسی حق ملکیت و میراث زنان نیز در کمیته قوانین به زودی تصویب خواهد شد. تلاش داریم تا قانون خانواده و مقرره منازعات مدنی نیز تصویب شود که در ولایات این مسایل زیاد مطرح است. تاکنون ۱۷ مرکز مشوره‌دهی برای مساعدت

کارها به مسایل امنیتی و شرایط اجتماعی نیز وابسته است. کارها و برنامه‌های وزارت امور زنان در بخش‌های اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و سیاسی همه به نحوی وابسته به شرایط امنیتی می‌باشد؛ زیرا در مناطق ناامن و یا مورد تهدید گروه‌های مسلح مخالف دولت، میزان موفقیت برنامه‌های ما کاهش می‌یابد و آمارهای خشونت علیه زنان مسلمان که بالا است. با این همه، بازم در طول سال‌های اخیر زنان در سمت‌های وزارت و معینیت حضور داشته‌اند و حال هم مشارکت سیاسی زنان رو به افزایش است.

● آیا زنانی که در سمت‌های اداری و سیاسی دولت وجود دارند، صلاحیت اجرایی و مهارت مدیریتی نیز دارند؟

رهبری حکومت این تعهد را دارد تا نقش مؤثر و با صلاحیت زنان برجسته شود و برنامه‌های ظرفیت‌سازی زنان نیز هم در چارچوب وزارت امور زنان و هم‌چنان در دیگر وزارت‌خانه‌ها جریان دارد، ولی برای موفقیت کامل در این عرصه نیاز است تا بیش‌تر کار شود و بودجه‌های انکشافی بیش‌تری اختصاص داده شود.

تأمین حقوق زنان در افغانستان تبدیل به یک فرایند سیاسی طول‌مدت شده، آیا فکر نمی‌کنید که تمرکز بیش‌تر بر ابعاد کلی و تیوریک قضایا باعث شده است تا اساسی‌ترین کارهایی که زمینه‌ساز انکشاف و رشد سریع‌تر زنان می‌شود جا بماند؟ چون با وجود

حقوقی در ریاست‌های ولایتی این وزارت و ۲۸ مرکز حمایتی به هم‌کاری نهادهای بین‌المللی نیز ایجاد شده است. در کنار این‌ها برنامه‌های آموزشی و پلان‌های توان‌مندسازی زنان در عرصه‌های اقتصاد، سیاست، فرهنگ و هنر استخدام زنان در اداره‌های دولتی مطابق با اهداف پلان انکشاف پایدار و جهت تساوی جنسیتی جریان دارد.

● در اداره‌های دولتی، مأموریت‌ها و آمريت‌های جندر وجود دارد تا در استخدام کارمندان سیستم سهمیه‌بندی موقت جهت حمایت از زنان را رعایت کنند، آیا این اداره‌ها وظایف شان را به درستی انجام داده‌اند؟

در کل وزارت‌خانه‌ها، ریاست‌های مستقل و اداره‌ها ما ۵۴ واحد جندر داریم ولی این واحدهای جندر باید به ریاست ارتقا یابد. زیادت‌های دولتی برای واحدهای جندر موقع نمی‌دهند، اما تلاش ما بر این است که تساوی جنسیتی در اداره‌های دولتی تطبیق شود تا با حضور زنان در عرصه کار و سیاست، مشارکت اجتماعی و سهمیم شدن زنان در چرخه اقتصادی خانواده نیز تحقق یابد.

● و در آخر، شما فرمودید که برای پیش‌رفت زنان با وزارت‌خانه‌ها برنامه‌های مشترک و یا هماهنگی لازم را دارید؛ پس برای افزایش مهارت زنان در روابط جهانی و نقش زنان در روابط بین‌المللی افغانستان، چه کارهایی انجام شده است؟

ما در داخل وزارت، یک کمیته بین‌الوزارتی داریم که در هر ماه طی نشست مشترک با نماینده‌گان تمام اداره‌های دولتی، گزارش وضعیت و جایگاه زنان در این نهادها را بررسی می‌کنیم و با توحید گزارش‌ها از وضعیت کلی زنان در نشست بین‌المللی وزرای زن مشکلات زنان افغانستان را مطرح می‌کنیم و از این طریق زمینه مهیا می‌شود تا همه ساله شماری از زنان را برای توان‌مندسازی به خارج از کشور می‌فرستیم. این کار فرصت این را مهیا می‌کند تا زنان کم‌کم وارد عرصه بین‌الملل شوند تا بتوانند به نمایندگی از افغانستان ارتباط جهانی کشور را با هم‌کاران بین‌المللی نیز تأمین کنند. در وزارت امور خارجه نیز این فرصت به وجود آمده است تا زنان در کشورهای سوئد، کانادا، وینا و تاجکستان به عنوان سفیر افغانستان بروند و در عرصه روابط بین‌المللی نیز فعالیت کنند. این همه نشان می‌دهد که با وجود چالش‌ها، اما وضعیت زنان رو به بهبود است و با مبارزه دوام‌دار می‌توان بر مشکلات فراروی زنان فایق آمد.

● ادامه از صفحه اول

ادامه روی کرد روی‌کرد نیم‌رخ

ضرورت آشنایی...

آسیب می‌بینند. بنابراین، نیاز به بذل توجه نهادهای مسوول دولتی، نهادهای حقوق‌بشری و ناظران بین‌المللی است تا به این تیپ از قربانیان همیشه‌گی جنگ در سراسر افغانستان امدادسانی کنند. آواره‌گان جنگ به سرپناه، مواد خوراکی، پوشاک و لوازم بهداشتی نیاز دارند. امروز هزارها زن و کودک از مناطق مختلف جنگ‌زده افغانستان به ویژه در جنگ‌های تازه‌ی ارزگان و غزنی آواره شده‌اند و در معرض آسیب جدی از سرمای زمستان و گرسنه‌گی قرار دارند. نهادهای مسوول قبل از نتیجه اقدام‌های بنیادین نظامی و گيرودار سیاسی صلح، باید به این آواره‌گان جنگ به صورت عاجل کمک‌رسانی کنند.

از روز جهانی محو خشونت علیه زنان گرامی داشت شد

برسد و توانمند شوند باید ابتدا هویت مشخص داشته باشند و در پشت هویت مردان پنهان نمانند. به نظر می‌رسد که تلاش‌ها برای تساوی جنسیتی و محو خشونت در افغانستان ادامه دارد و نهادهای حکومتی نیز بدین موضوع توجه کرده‌اند، اما زنان قبل از توانمند شدن در کارهای بیرون از خانه مکلف هستند تا برای شان محیط امنی از آن خود داشته باشند. گزارش‌هایی که در مورد واقعات خشونت منتشر شده است نشان می‌دهد که ۹۴ درصد خشونت علیه زنان در محیط خانه رخ می‌دهد و ۹۰ درصد آن توسط مردان اعمال می‌شود.

در همین حال، وزارت امور زنان که از سال ۱۳۸۲ خورشیدی تاکنون در بخش‌های دادخواهی، حمایت و نظارت از فعالیت‌ها در امور زنان کار کرده است، همه ساله از ۲۵ نوامبر کمپاین سراسری را به راه می‌اندازد تا پیامدهای خشونت را برای مردم توضیح دهد و برای محو این پدیده آگاهی‌دهی نماید.

امسال نیز از ۲۵ نوامبر/۴ قوس تا ۱۰ دسامبر/۱۹ قوس، به مدت ۱۵ روز مدت کمپاین سراسری منع خشونت علیه زنان اعلام کرده است. تمامی نهادهای فعال در عرصه حقوق

زنان ملزم به همکاری هستند تا از طریق نشریات شان و با تدویر برنامه‌های آگاهی‌دهی از پیامدهای خشونت، در راستای ساختن یک اجتماع سالم و برابر گام بردارند.

خشونت علیه زنان در افغانستان شامل قضایای ضرب و شتم، قتل، تجاوز، سنگسار و ازدواج‌های اجباری و زیر سن می‌باشد که به صورت مداوم در چارچوب فرهنگ سنتی و رفتار نادرست اجتماعی مردم تداوم یافته است. اکثریت قربانیان این قضایا در مناطق تحت نفوذ گروه‌های تروریستی حتی شکایت شان ثبت و رسیدگی نمی‌شود.

فروکاست کرده است. آمار خشونت علیه زنان از سراسر کشور که توسط کمیسیون مستقل حقوق بشر ارائه شده است، در سال گذشته، ۴۳۴۰ قضیه و در سال ۱۳۹۵ خورشیدی، ۵۵۷۵ مورد بوده است.

این در حالی است که در طی هفده سال اخیر محو خشونت علیه زنان و برنامه‌های توانمندسازی زنان به عنوان یکی از ماموریت‌های اصلی حکومت به شمار می‌رود و ده‌ها نهاد فعال حقوق زن نیز در این عرصه کار کرده‌اند.

میرویس بلخی وزیر معارف کشور در برنامه گرامی‌داشت از روز جهانی محو خشونت علیه زنان



از روز جهانی محو خشونت علیه زنان در وزارت امور زنان در حالی گرامی‌داشت شد که در شش ماه نخست سال نزدیک به دو هزار قضیه خشونت علیه زنان ثبت شده است.

وزارت امور زنان، روز شنبه، ۲۶ عقرب در «تالار سینما زینب» در داخل این وزارت در محیط امنی با تدویر برنامه سخنرانی، نمایش فیلم کوتاه و تیاتر روز جهانی محو خشونت علیه زنان (۲۵ نوامبر) را با تقدیر از چندین بانوی عضو نهادهای امنیتی گرامی‌داشت نمودند.

هرچند تمام محتوای برنامه از وجود خشونت شکایت‌های خانواده‌گی و گروه‌های تروریستی

گفت که زنان در افغانستان هنوز هم با مشکل حق و هویت مواجه‌اند؛ بنابراین برای این که یک جامعه سالم و به دور از خشونت داشته باشیم ضرورت می‌نماید تا تمامی اداره‌های حکومت، نهادهای مدنی و زن و مرد ملت افغانستان در راستای حمایت از زنان مبارزه کنند.

او افزود که بدین منظور، وزارت معارف در نصاب جدید تعلیمی خویش تلاش کرده است تا ادبیات تبعیض جنسیتی را از بین ببرد؛ «پس از این دیگر اکرم با خواهرش به مکتب نمی‌رود، بلکه اکرم با کریمه به مکتب می‌رود.» یعنی اگر زنان بخواهد به حق شان

شکایت داشت، اما مسوولان وزارت امور زنان از کاهش آمار خشونت‌ها علیه زنان در کشور خبر داد.

خانم دلبر نظری، وزیر امور زنان در این برنامه گفت که در شش ماه نخست سال جاری ۱۸۲۶ قضیه خشونت علیه زنان در ریاست‌های ولایتی این وزارت ثبت شده که از این جمله ۸۳۱ قضیه آن حل و فصل گردیده و متباقی از طریق مشاوره‌های حقوقی رفع شده است.

هرچند پشت این اعداد، واقعیت‌های تلخ و زجرهای زیادی نهفته است که قربانیان این قضایا متحمل شده‌اند، اما به تناسب سال‌های گذشته این اعداد



Nimrokh Weekly

سال دوم • شماره ۶۲ • دوشنبه ۲۸ عقرب ۱۳۹۷
Monday • November 19, 2018
Vol. 2 • No. 62



خواننده‌گان عزیز: نیمرخ بدون جهت‌گیری خاص سیاسی مقالات و نوشته‌ها را از صاحب‌نظران منتشر می‌کند.

صاحب امتیاز و مدیر مسوول: فاطمه روشنیان

سرمدبیر: ریحانه رها

گزارش‌گر: آمنه امید و حسین احمدی

عکاس: نیلوفر نیک‌پور

صفحه‌آرا: اولیا عماد

زیر نظر هیئت تحریر

به جز روی کرد نیمرخ سایر نوشته‌ها مسوولیتش به دوش نویسنده‌گان می‌باشد.

هفته نامه نیمرخ در ویرایش مطالب دست باز دارد.

شماره تماس: ۰۷۹۸۸۹۸۸۹۴

آدرس الکترونیکی:

Nimrokhweekly7@gmail.com

افغانان دینداره، ټولنیز او راتلونکې ته هیله من خلک دي. له همدې امله ټولې پرگنې باید په یووالي، شفقت او وروړولۍ کې ژوند وکړي. د هرات د عالمانو شورا رییس مولوی خداداد صالح وویل: "خداى 'ج' په قرانکریم کې فرمایي چې مسلمانان له یو بل سره وروڼه دي. د اسلام د لارښوونو پر بنسټ د خپلو وروڼو تر څنګ په سوله ییز چاپیریال کې ژوند وکړئ."

یوحای د سولې پر لور!

همه باهم به سوی صلح!

افغانها مردم متدین، اجتماعی و امیدوار به آینده هستند. از اینرو همه اقوام باید با مهربانی، شفقت و برادری باهم زندگی کنند. مولوی خداداد صالح، رییس شورای علمای هرات گفت: "خداوند 'ج' در قرانکریم می فرماید که مسلمانان برادر یکدیگر هستند. در کنار برادران تان در فضای صلح بر مبنای احکام اسلام، زندگی کنید."